

حامد کرزی طلسم را شکست !

گلادیاتورهای مذهبی در میدان « سیا » سی



محمد امین فروتن

پیوسته به گذشته بخش چهارم :

در حد مجالی که امروز داریم تنها می‌خواهم بر شعارهای آتشین و فریبنده پوپولیستی که این روزها از حنجره مبارکه جلالتمآب کرزی بیرون می‌آیند مکت کوتاهی بنمائیم، زیرا از آنجائیکه ثقل این گفتمان همانا " ریأ " ست جمهوری اسلامی افغانستان است و کانون مرکزی آن را نظام بازار آزاد تشکیل می‌دهد نه تنها به عنوان یک امرسیاسی، بلکه به مثابه یک پروژه قدسی و ملکوتی چترفراگیری را بر همه عناصر فکری و عاطفی می‌گستراند. زیرا رابطه فرد با حاکم، رابطه ای مریدی-مرادی و براساس اصل ارادت سالاری است. البته نهادی بنام دولت و هم جامعه در این گفتمان در حوزه عرفی قراردارند و تنها هنگامی مشروعیت می‌یابند که از مناره های بلند ارگ شریف این گنج قارون !! عبور یافته و هضم شده باشد. اصالت و اولویت با باشی عمومی یا " رئیس دسته های مافیائی " یا همان رئیس " جم هوری " بروزن جمبوری است،

مبنای مشروعیت این عملیه در درون خود اوست ونه در بیرون ازاین مناسبات. این بدان معناست که سر کلانتر ارگ شریف مشروعیت خود را از هیچ مرجع بیرونی - اعم از شریعت و قانون همچنان جامعه مدنی اخذ نه میکند. بلکه بالعکس کلانتر عمومی یا باشی ارگ شریف خود مشروعیت بخش همه چیز و از جمله شریعت یا قانون است.

چنانچه در همین نمائیش سرکس مانندی circus بنام لویه جرگه که در شهرتاریخی کابل بر پا ساخته بود دیدیم و شما عزیزان نیز به چشم سر مشاهده نمودید که علی الرغم تعهد و پابندی کلانتر ارگ به فیصله های این مجمع اندکترین وُقع گذاشته نه شد و سر کلانتر ارگ برای استفاده ابزاری از فیصله های این مجمع بزرگ !! شرائط پوپولیستی و بعضاً غیر قابل قبول و مسخره آمیزی را حتی بدون مشورت با این بزرگانی که از اکناف و اطراف مملکت نه پرویت انتخابات آزاد بلکه بصورت دراماتیک از سوی گروه استخاره ارگ به کابل فراخوانده شده بودند مطرح کرد.

<http://www.youtube.com/watch?v=-FNWixTzs4o>

بنأ روشن است که هرگونه مشورت و مفهومی بنام دموکراسی حتی قلابی در گفتمان استخاره ای اقتدار گرا و وصله ای ناجور و زائده ای تحمیلی است که در نظام کدخدائی اشرافیت معاصر هیچگونه جایگاهی ندارد . سخن گفتن از نظارت پذیری - نقد پذیری و حتی خلع پذیری مقام " کلانتری ارگ شریف " در این گفتمان و نوع مدیریت گزاره ای بیش نیست .

اکنون ببینیم و دوباره بازخوانی کنیم که آن شرائطی مهم و تاریخی که جلالتمآب حامد کرزی وقتی در چهارمین روز لویه جرگه که جهت بحث بر سر قرارداد امنیتی با امریکا فراخوانده بود بیان فرمودند چه بوده است و ارزش و اهمیت آن در پرتو منافع علیای کشور باتوجه به گذشت ۱۲ سالی که از عمر مبارکه رژیم حاکم در کابل برهبری حضور جلالتمآب حامد کرزی و گروه مافیائی اش سپری میشود کدام است ؟ چنانچه نزدیک به اتفاق افغانها شنیدند و بخشی از آن سخنان تاریخی والاحضرت حامد کرزی به مثابه وجیزه ها در رسانه های مافیائی کابل نیز مورد استفاده قرار میگردد چنین است :

نو ددی لپاره چې زموږ اطمینان حاصل شوی وي، بایدچې مراحل د تطبیق ولرو ماتاسو ته په خپله افتتاحیه وینا کې وویل، عزیزانو! ، چې افغانستان همیشه جنګونه ګټلي دي خو سیاست یې بایللی دی .دلته ماته موقع را کړی، چې زه سیاست وکړم ترڅو د دې قرار داد نتیجه د افغانستان لپاره تضمین کړم.په مفته یې مه ورکوی، چې اطمینان حاصل کړم، چې وطن مو سم روان دی، ښه روان دی، په امن او سوله کې روان دی او ژر به د یوه نوي رییس جمهور او یوه نوي حکومت خاوند شي. که دا وشوله ډیراعلی، که سوله نه وي راغلي انتخابات هم خراب شي مملکت مو ولاړه. او دا زموږ اوتاسو وظیفه ده دغه مجلس، چې د افغانستان مخور سیاسيون پکې ناست دي، چې د افغانستان ملت له هغه عاقبت څخه وساتو.

اکنون بد نخواهد بود که بخشی از جریان آخرین روز لویه جرگه را در کلیپی که از سوی دفتر رئیس جمهور افغانستان منتشر گردیده است و تمامی شبکه های رادیو تلویزیونی افغانستان آن روز در سرویس های خبری خود به نشر رسانده است خدمت شما سروران تقدیم بدارم .

<http://www.youtube.com/watch?v=5lJa6N8uq34>

شرائط تقدیس شده پوپولیستی برای مشروعیت مافیائی !

چنانچه دیدید و شنیدید گفتمان مشروعیت که لازمه اش تحقق اراده آزاد شهروندان است در کشور ما افغانستان در رابطه به قدرت و مشروعیت ، حکومت بر بالهای استخاره و بر شانه شعار های عوام فریبانه و پوپولیستی حمل میشود که از دیدگاه طرفداران این نظریه آنهایی که دست به استخاره میزنند و یاهم مرشدان و صاحب کرامات اند ودر انجام امور جامعه نقش کار آمدی دارند بصورت طبیعی حق حکومت داشته و به نیابت از خدا وند و پیامبر اش ولی مردم اند و بر اساس " انتصاب الهی " حق حکومت بر مردم را دارند ، لهذا رأی و انتخاب مردم مبنای هیچگونه حقانیت در حوزه مشروعیتی نیست . وحد اکثر نقش کار آمدی و ابزاری دارد و عمل به نظریه " حق حاکمیت بااساس انتصاب الهی "

موجب پیدایش گونه ای از فنو دالیزم سیاسی و حکومتی می‌گردد و بصورت کاملاً طبیعی دوران حکومت‌های فنودالی و ملوک‌الطوائفی سپری شده است؛ و نه میتوان ملت‌ها را بر چنین نسخه به میعاد گذشته اداره نمود لهذا برای بقا و مشروعیت مدیریت فنودالی در جوامع شرقی بویژه اسلامی که اکثریتی از شهروندانش دارای باورها و اعتقادات مذهبی و اسلامی اند از "گفتن موهوم و معیوب استخاره" مدد می‌گیرند و زمامدار نه به عنوان منتخب ملت و نمائنده حاکمیت ملی به مثابه مآدون گلا دیاتور های مذهبی و شرکت های چند ملیتی بین المللی است که به نیابت از آنان به مثابه یک کلان‌ترو باشی سرنوشت تقسیم غنیمت‌ها را در دست می‌گیرد. البته باید گفت که در کشور ما افغانستان گفتن شریعت‌گرایی سکولار که بر اساس فورمول "عیسی به دین خود و موسی به دین خود!!" عمل میکند هم آغوش گفتن استخاره شده است که به دلیل تسامح استخاره‌ای هواداران این گفتن برخی از تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های سکولار جامعه را نیز احتوا میکنند.

صلح کیلویی با "چشک حلال" *، مهمترین شرط امضای قرارداد امنیتی!؟

یکی از مسخره‌ترین و در عین حال زبون‌ترین شرائطی که از سوی جلالتماب حامد کرزی رئیس اداره کابل به عنوان خط سرخ افغانها برای امضای قرار داد امنیتی با ایالات متحده عنوان شده است، تأمین صلح و ثبات در افغانستان است که به قول آقای کرزی وی از ده سال حکومت داری آموخته است که صلح در دست امریکا است اگر امریکا و پاکستان است که اگر این دو کشور بخواهد میتوانند صلح در افغانستان استقرار یابد. وی در نخستین روز اجلاس لویه جرگه چنین گفته بود

که دا قرار داد او له امریکې سره ستراتیژیک ترون افغانستان ته امنیت راولي ز مور په گټه دی، که سوله راته راولي صحیح ده، نو که امریکا له مور سره امنیتي قرار داد کوي مور ترې امنیت او سوله غواړو. زه په دې پوه یم، چې سوله د دوی په لاس کې ده، زه مطلق په دې پوه یم، زما د لسو کالو کار دا پوه خبره رابنودلي، چې سوله د دوی په لاس کې ده، نو سوله واخني غواړو او امنیت واخني غواړو. کله چې سوله وي او امنیت وي دوی دې خدای راولي!!

نه میدانیم که جلالتماب رئیس صاحب کرزی متوجه این حقیقت شده است یانه که صلح از جنس اعتبار است و نه میتوان آنرا با پول و ثروت حاصل کرد! زیرا در حوزه حقوقی و ملی هرگاه مردم و شهروندان یک سرزمین در آئینه حاکمیت و نهادی بنام دولت خویش را نه نگرند و در فقدان عدالت عمومی اعم از اجتماعی و اقتصادی به حیث موجود انسانی دست به خشونت میزنند و برخلاف قواعد بازی عمل میکنند. باید ببینیم که متأسفانه در امتداد چندین دهه فقر عمومی بویژه در حوزه سیاسی - فرهنگی و اقتصادی و موقعیت جغرافیای افغانستان که بازیچه بازیگران ماهر قدرت های بزرگ و کشورهای همجوار گردیده است و این فاجعه دوام دارد و تا آئنده دور ادامه خواهند داشت.

آنچه را که می‌خواهم بگویم، اساسی‌ترین و اصلی‌ترین حرفی که امثال من برای گفتن در این زمینه دارم، یک فورمول ریاضی و کیمیائی نیست بلکه یک مسأله جامعه‌شناختی است که هیچگونه احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد، این است که آگاه باشیم هرگاه در تاریخ جوامع فرصت‌های در زمینه رشد و انکشاف اجتماعی ملت‌ها بویژه در فرآیند ملت‌سازی به هدر روند و ضائع گردد دیگر هیچگاه نه میتوان آنرا با آسانی و ساده‌گی بدست آورد زیرا مسأله ملت‌سازی را نه میتوان با پول و ثروت و با معامله‌گری‌های مافیائی و تجاری غیر مشروع از بازار به اوزان کیلو و سیر خریداری کرد زیرا

هویت تاریخی و تمدنی یک جامعه با چگونگی و نوع مشروعیت تاریخی جوامع بشری ارتباط تنگاتنگ دارد و هیچ قدرتی با داشتن عالی ترین قدرت های تکنیکی و نظامی و حتی علمی و فلسفی و با خریدن همه نبوغ های که در دنیا ست (چون صاحبان " پول " و ثروت اند) نوابغ عالم را هم مانند کالا خرید و فروش میکنند ، اما نه میتوانند جوهری از فرصت ها برای ملت سازی و باز سازی را که به هر دلیلی از دست داده اند دوباره بدست آورند . چنانچه ما به وضاحت تمام میبینیم هرگاه زمامداران و حاکمان جامعه ما از همان آغاز متوجه این اصل جامعه شناختی میبودند و نقشه راه کشور ما از آب و خاک سرزمین و تمدن باستانی ما بوجود می آمد بدون شک امروز با این وضعیتی که جامعه ما به آن دچار گردیده است نه بوده ایم .

ادامه دارد

* "چشک حلال " اصطلاح بازار است که فروشنده ها حین فروش میوه جات مانند خربوزه و هندوانه مشتریان را با صدای که های مردم بخريد بهترين خربوزه ها است به شرط چاقو و چشک حلال !!